



دیدگاه بیمه پردازان درباره مصوبه اخیر مجلس شورای اسلامی

مثبت و منفی های قانون بازنشستگی

گروه جامعه



سال هاست کارشناسان و حتی مسئولان ، به ناترازی شدید صندوق های بازنشستگی هشدار می دهند. این هشدارها درحالی است که دریافتی بیمه پردازان پس از سی سال کار، حتی کفاف هزینه های یک زندگی معمولی را هم نمی دهد. وعده هابرای همسان سازی حقوق بازنشستگان و افزایش مستمری بازنشستگی نیز نتوانسته است باری از مشکلات این قشر کم کند. حرکت شتابان جمعیت کشور به سمت پیری و افزایش شمار بازنشستگان، به پیچیدگی اوضاع دامن زده است، تا جایی که هفته پیش، مجلس شورای اسلامی موافقتش با افزایش سن بازنشستگی را اعلام کرد. تصمیم یاد شده موافقان و مخالفانی دارد. در این گزارش سراغ صداهای کمتر شنیده شده رقتیم؛ کسانی که سرمایه صندوق های بازنشستگی از دسترنج آن ها تأمین شده است و حق دارند درباره مصوبه ای نظر بدهند که زندگی شان را مستقیم و غیر مستقیم تحت تأثیر قرار خواهد داد.

از جیب کارگر و کارمند برای خودشان محبوبیت خریدند

اشاره می کند و می گوید: نگاه دولت ها در دهه های گذشته به سازمان تأمین اجتماعی به عنوان یک قلم اختصاصی بوده است. هزینه های سنگین و ناستجیده را روی دوش این سازمان گذاشتند و سهمشان را پرداخت نکردند. واقعیت این است که دولت ها در ادوار گذشته، از جیب کارگر و بازنشسته برای خودشان محبوبیت خریدند. هزینه کم کاری و ندانم کاری و ناتوانی آن ها را من کارگر که هر روز سفره ام دارد کوچک تر می شود، نباید بردارم. خلاصه حرف این بازنشسته دریافتی من بازنشسته بهتر، محترمانه تر و در تراز یک ایرانی شرافتمند بود و هم به افزایش سن بازنشستگی آن هم با این شتاب نیاز نبود. رضا به بدی هیچ چند صد هزار میلیاردرادانتخاب مدیران دارند.

است، به شرط اینکه محدود به همین مورد نباشد. بد نیست عزیزان مسئول در رسیدگی به امور معیشتی افراد شاغل و بازنشسته هم نیم نگاهی به کشورهای موفق بیندازند.

خبرهایی مبنی بر برخی سوء مدیریت ها در دولت های مختلف در قبال صندوق های بازنشستگی را شنیده واز اینکه منابع این صندوق ها درست مدیریت نشده گله مند است. او می گوید: اگر مدیریت موفق داشته باشند، هم وضعیت دریافتی من بازنشسته بهتر، محترمانه تر و در تراز یک ایرانی شرافتمند بود و هم به افزایش سن بازنشستگی آن هم با این

شتاب نیاز نبود.

رضا به بدی هیچ چند صد هزار میلیاردرادانتخاب مدیران دارند.

تولیدکننده نسکافه و کافی میکس است و همه سابقه بیمه پردازی اش به سال هایی محدود می شود که کارفرما بوده است. مهدی آشورزاده، چهل و شش ساله است و پیرایمان دلیل می آورد که چرا با افزایش سن بازنشستگی موافق است: از من می پرسید، بازنشستگی ها با سن و سال فعلی در کشور ما، هم به کارگر و هم به کارفرما ضرر می زند، می بینی طرف هنوز به پنجاه و پنج سالگی نرسیده، بازنشسته شده است. درحالی که هنوز می تواند کار کند، خودش هم مایل است، اما از ادامه کار محروم می شود. تجربه ای که در این سال ها به دست آورده است و به درد خودش و مملکت می خورد، اگر دونه خارج می شود، حیف است واقعا!

او به پیر شدن تدریجی جمعیت اشاره می کند و می گوید که به عنوان کارفرما، آن را خیلی واضح حس می کند: نیروی کار جوان دارد کم می شود.

تجربه افراد، جایگزین کار فیزیکی شود

سال های زیادی حقوق بازنشستگی بپردازد و این، فشار خیلی زیادی روی صندوق ها می آورد. او سن معقول برای بازنشسته شدن را بین ۵۵ تا ۶۰ سال می داند و می گوید: از این سن ها بالاتر، انجام کار سنگین روی خود فرد و سلامتی اش فشار می آورد. اگر بنا باشد کار کنند، باید با ساز و کاری باشد که بیشتر از تجربه اش استفاده شود و تا اینکه کار فیزیکی به او سپرده شود. مثلاً اگر کارگر خط تولید است، بشود ناظر و سرکارگر. به باور او، دیر بازنشسته شدن افراد، کار را برای مسئولانی که متولی ایجاد شغل هستند نیز دشوار می کند. به این دلیل که دیگر نمی توانند افرادی را که به علت بازنشسته شدن دیگران سرکار رفته اند، جزو فرصت های شغلی جدید ایجاد شده لحاظ کنند و آمار آن را به عنوان گزارش عملکرد خودشان به مردم اعلام کنند.

افزایش سن بازنشستگی نباید اجباری باشد

ونمی شود از چنین قانونی انتظاراتی را داشت که موافقان تصویب آن می گویند. این معلم خرید خدمت به دیگر تبعات اجتماعی اقتصادی منفی آن اشاره می کند، آثاری که به باور او در صورت تأیید مصوبه مجلس از سوی شورای نگهبان در سال هایی که دور نیست، بروز خواهد کرد: برخلاف امروز که چهره بسیاری از ادارات به دلیل نیروهای آن جوان است، در دهه های پیش رو، وضعیت به سمتی خواهد رفت که احتمال دیدن فردی جوان در دستگاه های دولتی کم می شود. به نظر در تصویب این طرح به تبعات روحی روانی ناشی از افزایش اجباری سال های خدمت توجهی نشده است، به اینکه با این وضع، دیگر کسی رغبتی به این مشاغل خواهد داشت یا خیر.

استفاده کنید، به تفریحات خاص بپردازید، بیشتر برای و به علایقی که در این سال ها فرصت پرداختن به آن ها را نداشتید، بپردازید؟ واقعا نه! کششی نمی ماند دیگر، تازه به فرض اینکه زنده بمانید. او افزایش اجباری سال های خدمت برای رسیدن به بازنشستگی را باعث دل زدگی، حتی در کسانی می داند که در اوضاع عادی می توانند با انگیزه و پراورزی کار کنند. همچنین اینکه عده زیادی را بهره وری بسیار کم، ناامیدانه و از روی اجبار در مشاغل حضور پیدا کنند، دور از انتظار نیست. برآورد وچیداز فضای عمومی جامعه در وضع کنونی، رسیدن هرچه زودتر به بازنشستگی است. با این حساب، قانون یاد شده اقبال مردمی نخواهد داشت

سابقه بیمه اش را نه به سال، بلکه به روز می گوید: من وحید اکبرزاده، معلم هستم و ۱۲۰ روز سابقه بیمه دارم. تأکید او بر این است که افزایش سن بازنشستگی نباید به صورت اجباری باشد، بنا به دلایلی که برایمان این طور آن ها را باز می کند: معلمی داریم که با پانزده سال خدمت، برایش حال و حوصله کار کردن باقی نمانده است و دیگری با بیش از سی سال خدمت، همچنان دارد با انگیزه زیاد تدریس می کند. حتی اگر با انگیزه هم باشد و بتواند آن را حفظ کند، به نظراتان برای فردی که تازه استخدام می شود، ۲۲ سال خدمت واقعا زیاد نیست؟ اگر به بازنشستگی برسید، آیا واقعا وقت و جانی برایتان باقی مانده است برای اینکه از ثمره یک عمر کار

مصوبه مجلس چه می گوید؟

۲۸ تا ۳۰ سال

بیمه پردازان با ۲۸ تا ۳۰ سال سابقه خدمت، بدون افزایش سنوات خواهند بود.

۲۵ تا ۲۸ سال

بیمه پردازان بین ۲۵ تا ۲۸ سال سابقه خدمت، به ازای هر سال تا زمان بازنشستگی، ۳ ماه به سنواتشان اضافه می شود.

۲۰ تا ۲۵ سال

بیمه پردازان بین ۲۰ تا ۲۵ سال سابقه خدمت، به ازای هر سال تا زمان بازنشستگی، ۴ ماه به سنواتشان اضافه می شود.

۱۰ تا ۲۰ سال

بیمه پردازان بین ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه خدمت، به ازای هر سال تا زمان بازنشستگی، ۵ ماه به سنواتشان اضافه می شود.

تا ۱۰ سال

بیمه پردازان تا ۱۰ سال سابقه خدمت، به ازای هر سال تا زمان بازنشستگی، ۵ ماه به سنواتشان اضافه می شود.



آن مجال دیگری می طلبد. ریشه های آن را باید در دهه ۶۰ جست و جو کرد که مدیرعامل رئیس هیئت مدیره کنونی شرکت، دانش آموز بودند و باتوجهشان پایگاه بسیج محله بود. دوستی و ارتباط آن ها که زیر سقف مسجد حجت ^(ع) شکل گرفته بود، با تحصیلمان در رشته های الکترونیک و کامپیوتر دانشگاه فردوسی مشهد، تأسیس شرکت دانش بنیان در سال ۱۳۷۹ و تولید محصولاتی فناورانه در زمینه سیستم های کنترل صنایع انرژی ادامه پیدا کرد. تا جایی که انحصار از برندهای آمریکایی و آلمانی گرفته و پرچم ایران در تولید محصولاتی بلند شد که روزگاری به ناچار واردکننده اش بودیم.

نماز جماعت به امامت یکی از کارکنان شرکت آهار، از بلندگو پخش می شود، درست در همان دقایقی که همه، سلام نماز را گفته اند و ذهنشان از یاد خدا آکنده است. زمان پاکدست کوتاه است، بین یک تا حداکثر پنج دقیقه. آن طور که سیدعلی حسینیون، مسئول روابط عمومی این شرکت، برایمان می گوید، در روزهای فرد برنامه با قرائت یک صفحه از کلام و حی تغییر می کند. روزهای پنجشنبه نیز نماز به امامت یکی از سخنرانان مطرح مشهد اقامه می شود و با سخنرانی کوتاه او پایان می گیرد. مقید بودن به اقامه این واجب الهی به زیبایی هر چه تمام تر در این شرکت دانش بنیان، قصه ای دراز دارد که شرح

که برای برخی مقبول نمی افتد، مگر اینکه باوازه های بیگانه و اصطلاحات خارجی همراه باشد و اینجا در شرکتهی دانش بنیان به برکت نماز جماعت اول وقت، به بهترین شکل در حال اجراست.

پس از نماز

«آدم ها به سمت خوبی ها کشش دارند، وقتی ببینند شما که نماز اول وقت می خوانی، اخلاق خوبی داری و در روابطت متوجه ریزه کاری ها هستی، به تو و نماز اول وقتی که می خوانی علاقه مند می شوند.» این، فلسفه پخش پاکدست های اخلاق محوری است که روزهای زوج، بلافاصله بعد از اقامه

خدا در اولویت است

روایتی از اهتمام کارکنان یک شرکت دانش بنیان به اقامه نماز جماعت اول وقت

از مهندسان شرکت «خدمات نیروگاهی آهار»، واقع در پارک علم و فناوری خراسان که به صورت خود خواسته به عنوان خادم نماز انتخاب شده است، مهبیای آماده کردن فضا برای قرار ظهرانه همکارانش با خدا می شود. کار که از روی دل و اعتقاد باشد، داوطلبان انجامش به یک نفر خلاصه نمی شوند. مشغله ها و فشار کاری در این مجموعه که پالایشگاه ها و نیروگاه ها مشتری خدمات و محصولاتش هستند، زیاد است. با این حال، همیشه چند نفری برای کمک می آیند تا هر چه زودتر چراغ های نمازخانه روشن، سجاده ها پهن و رحل ها و قرآن ها چیده شوند. بعد هم نوبت فعال شدن سیستم صوتی و پخش پیش خوانی اذان از بلندگوهای طبقات است. مؤذن که پشت بلندگو می رود و با اذان گفتن به همکارانش برای حضور در نمازخانه فراخوان می دهد، یکی یکی و چندتا چندتا با استین های بالا زده و سر و صورت خیس از وضو آزاره می رسند.

شهامت ای مهم است که چرا و برای چه کسی کاری کنی؛ کار برای کار است یا برای پول، شهرت و... یا کار برای خدا. آخری را که بخواهی، بی نهایت را خواسته ای. آن وقت است که دنیا با همه آنچه دارد، سراغت می آید و در برابر اراده ات کرنش می کند؛ از راهی که گمانش را می بری با تصورش را هم نمی کنی. به ماند که خواستن خدا هم به زبان و ادعا نمی شود، باید برای گفت وگو با او شوق داشته باشی، به ویژه در زمان های نشان شده و ستاره دار، به همان شیوه ای که او می پسندد؛ اول وقت و به جماعت. ماجرای عبادت دسته جمعی نخبگانی که هر روز در یکی از شرکت های دانش بنیان بزرگ شهرستان برپا می شود، از همین قرار است.

● آمادگی برای قرار روزانه ساعت به حوالی یازده که می رسد، یکی

